

مسئولیت مدنی ناشی از همکاری ثالث در نقض تعهدات قراردادی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، بلژیک و ایران با رویکردی فقهی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰

سید محمدمهدی قبولی درافشان*

پوریا شیرخانی**

محمد موحدی فرد***

چکیده

در حقوق فرانسه و بلژیک، همکاری ثالث در نقض تعهدات قراردادی موجب مسئولیت مدنی ثالث است. این جستار با روشی تحلیلی، منطقی و تطبیقی، به بررسی مبانی، شرایط و آثار مسئولیت مدنی یادشده در سه نظام حقوقی فرانسه و بلژیک و ایران پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده، در دکترین و رویه قضایی فرانسه و بلژیک، مسئولیت تضامنی متعهد و ثالث نسبت به خسارت‌های وارد بر متعهدله پذیرفته شده است. همچنین در مورد قراردادهایی که شخص ثالث با متعهد در راستای نقض تعهدات وی منعقد نموده، عدم قابلیت استناد یا قابلیت ابطال قراردادهای مزبور، به عنوان راه‌های مناسب اعاده وضع پیشین مطرح گردیده است. در نظام حقوقی ایران نیز نتایج پیش گفته می‌تواند مورد پذیرش باشد. البته میزان مسئولیت متعهد و شخص ثالث در مقابل متعهدله قراردادی نسبت به خسارت‌های وارد آمده، به نسبت مساوی است مگر اینکه میزان تأثیر هر یک در ورود خسارت متفاوت باشد.

واژگان کلیدی

نقض تعهد قراردادی، همکاری شخص ثالث، عدم قابلیت استناد قرارداد، قابلیت ابطال قرارداد، مسئولیت مدنی

ghaboli@um.ac.ir

* دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

P.shirkhani@mail.sbu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

movahedifard@ut.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی پردیس فارابی دانشگاه تهران

مقدمه

از سویی یکی از اصول پذیرفته شده قراردادهای، اصل لزوم وفای به عقد و عهد است. چنانچه شخص متعهد در اثر همکاری یا تحریک شخص ثالث از انجام تعهدات قراردادی خویش سر باز زند و تعهد خود را نقض نماید، در مقابل متعهدله مسئولیت قراردادی دارد. از سوی دیگر اصل بر اثر نسبی قراردادهاست و تعهدات ناشی از قرارداد اصولاً نمی‌تواند گریبان‌گیر اشخاص ثالث گردد. اصل مزبور در ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی فرانسه و بلژیک و نیز ماده ۲۳۱ قانون مدنی ایران منعکس شده است. به موجب ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی فرانسه و بلژیک که دارای متن یکسانی هستند، «قراردادهای فقط نسبت به متعاقدين اثر دارند؛ آن‌ها به حقوق اشخاص ثالث خلل وارد نموده و فقط در مورد مقرر در ماده ۱۱۲۱ به نفع شخص ثالث خواهند بود». به موجب ماده ۲۳۱ قانون مدنی ایران نیز «معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آن‌ها مؤثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶».

در مواردی ممکن است، شخص ثالث در نقض تعهدات قراردادی به متعهد قرارداد کمک رساند. حال مسئله این است که آیا این همکاری می‌تواند موجب مسئولیت مدنی شخص ثالث در مقابل متعهدله قراردادی گردد.

این جستار در صدد است ضمن تبیین مسئولیت مدنی شخص ثالث در فرض همکاری وی در نقض قرارداد در نظام‌های حقوقی فرانسه و بلژیک، دیدگاه حقوق ایران را در این زمینه بررسی نماید. در این راستا ابتدا مبانی مسئولیت مدنی ناشی از همکاری ثالث در نقض تعهدات قراردادی مطالعه می‌شود. سپس شرایط تحقق مسئولیت مدنی شخص ثالث و نیز آثار مسئولیت مدنی وی بررسی خواهد شد.

۱. مبنای مسئولیت شخص ثالث

۱-۱. مبنای مسئولیت در حقوق فرانسه و بلژیک

در حقوق فرانسه (Viney, 1989, pp.367-368; Mazeauds et Chabas, 1985, p.376) و بلژیک (Dubuisson, Callwaert, De coninck et Gathem, 2009, p.112; Bar et Alter, 2006, p.112) در خصوص امکان طرح دعوی توسط متعهدله، علیه ثالثی که در نقض تعهدات قراردادی با متعهد همکاری نموده، تردیدی نیست و دکتترین و رویه قضایی فرانسه و بلژیک آن را

پذیرفته‌اند. در حال حاضر مبنای اصلی دعوی مزبور در هر دو نظام حقوقی فرانسه (Buffelan-lanore, Yvaine et Larribau-terneyre, 2010, p.387; Malaurie, Aynès et Stoffel-) Munck, 2009, p.410; Colin, Capitant et Julliot De la Morandière, 1966, pp.281-282; Bénabent, 1995, pp.139-140; Raynaud, Aubert et Savaux, 1999, p.31, Terré, Simler et (Dupont, 2013, pp.65-66) و بلژیک (Lequette, 1996, p.389; Larroumet, 2007, p.880) قابلیت استناد قرارداد در مقابل اشخاص ثالث است. البته مبانی دیگری نیز در حقوق فرانسه، در این خصوص، ارائه شده که از جمله می‌توان به نظریه سوءاستفاده از حق و نظریه جهت نامشروع یا خلاف اخلاق اشاره نمود. لیکن نظریات مزبور توفیق چندانی نداشته‌اند (Cf. Wintgen, 2004, pp.166-167). در هر حال قابلیت استناد قرارداد، موجب ممنوعیت همکاری عامدانه اشخاص ثالث با متعهد، به منظور نقض قرارداد است؛ بنابراین اگر اشخاص ثالث عامدانه و آگاهانه در نقض تعهدات قراردادی شرکت نمایند، مسئول خواهند بود. در واقع، همکاری شخص ثالث در نقض تعهدات قراردادی نوعی تقصیر غیر قراردادی^۱ نسبت به متعهدله زیان‌دیده است و همین امر موجب مسئولیت اوست (Mazeauds et Chabas, 1985, p.376; Colin, Capitant et Julliot De la Morandière, 1966, p.282; Bénabent, 1955, p.139; weill et Terré, 1980, p.602). همچنین با توجه به این‌که آثار مستقیم قرارداد فقط مربوط به طرفین قرارداد است، نوع مسئولیت شخص ثالث، غیر قراردادی است (Duclos, 1984, p.200; Mazeauds et Chabas, 1985, p.376; Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2009, p.285; Marty et Raynaud, 1998, p.285). به همین دلیل برخی از حقوقدانان فرانسه (Larroumet, 2007, p.880) و نیز بلژیک (Tordoi, 2006, p.31, référence n°56) به مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه و بلژیک به‌عنوان اساس مسئولیت شخص ثالث استناد نموده‌اند. ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه و بلژیک در مقررهای مشابه بیان می‌کنند: «هر فعل انسانی که سبب زیان به دیگری است، کسی را که در اثر تقصیر وی زیان به بار آمده، ملزم به جبران زیان می‌نماید»^۲. ماده ۱۳۸۳ قانون مدنی این دو کشور نیز بیان می‌دارد: «هر شخصی مسئول خساراتی است که متسبب به اوست، خواه این خسارات به سبب فعل عمدی او به‌بارآمده باشد، خواه به سبب بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی او»^۳. البته یکی از حقوقدانان برجسته فرانسه به نام دموگ از مسئولیت قراردادی شخص ثالث سخن گفته است با این استدلال که از روزی که شخص ثالث با آگاهی از قرارداد به انکار آن کمک می‌کند، به این قرارداد ملحق می‌گردد و از این رو مسئولیت وی قراردادی

است. لیکن این نظر با این انتقاد روبه‌روست که نمی‌توان از آگاهی ثالث نسبت به قرارداد، الحاق وی به قرارداد را استنتاج نمود (Ghestin, Jamin et Billiau, 2001, pp.777-778; Wintgen, 2004, p.166).

در رویه قضایی فرانسه و بلژیک نمونه‌های فراوانی مبنی بر مسئولیت شخص ثالث در فرض همکاری ثالث در نقض تعهدات قراردادی وجود دارد. در مورد قرارداد کار، قراردادی عهدی، رویه قضایی فرانسه کارفرمایی را که با آگاهی، کارگر متعهد در قبال کارفرمایی دیگر را استخدام می‌نماید، مسئول دانسته است (Terré, Simler et Savaux, 1996, p.389). در همین راستا مدیر یک تئاتر که هنرپیشه متعهد در مقابل مدیر تئاتر دیگر را استخدام نموده، محکوم به جبران خسارت شده است (Raynaud, Aubert et Savaux, 1999, p.31). این راه‌حل رویه قضایی فرانسه، توسط قانون‌گذار این کشور در ماده L.122-15 قانون کار وارد شده است. بر اساس این ماده چنانچه کارگری با نقض قرارداد کار خود، در مقابل کارفرمای جدیدی متعهد گردد، کارفرمای جدید در سه مورد همراه با کارگر نسبت به خسارت وارد بر کارفرمای قبلی مسئولیت تضامنی دارد. نخست در موردی که دخالت وی در نقض قرارداد کار پیشین، اثبات شود. دوم در موردی که با آگاهی از تعهدات کارگر نسبت به قرارداد کار قبلی، وی را استخدام نماید. سوم در موردی که وی از تعهدات کارگر در مقابل کارفرمای دیگر، آگاهی یافته و درعین حال به کار گرفتن وی را ادامه دهد. البته در مورد اخیر اگر کارفرمای جدید پس از پایان مدت قرارداد پیشین، از آن آگاه شده باشد، مسئولیت وی منتفی است. دکتترین فرانسه فقدان مسئولیت کارفرما را در فرض اخیر، منصرف از موردی دانسته که قرارداد پیشین دربردارنده شرط معتبری مبنی بر عدم رقابت بوده که کارفرما از آن آگاه است (Viney, 1989, p.369). در واقع در مواردی که ممنوعیتی در زمینه شروط محدودکننده آزادی تجاری وجود ندارد، اشخاص ثالث ملزم به احترام به این‌گونه شروط بوده و مشارکت آگاهانه در نقض شرط انحصار یا عدم رقابت، قرارداد افزایش تولید، منع صادرات یا شرط فروش به قیمتی تحمیلی، مستوجب محکومیت بر مبنای اصول مسئولیت قهری است (Viney, 1989, p.370). از دیگر نمونه‌های مسئولیت ثالث، همکاری وی در نقض تعهد به فروش و پیمان حق تقدم است که ذی‌نفع می‌تواند علیه شخص ثالث آگاه از وضعیت، اقامه دعوا نماید (Viney, 1989, p.370; Terré, Simler et

Lequette, 1996, p.389; Colin, Capitant et Julliot De la Morandière, 1996, p.282; Marty et Raynaud, 1988, p.285). در مورد «قرارداد نشر^۶»، «قرارداد اجاره^۷» و «قرارداد رزرو مسکن^۸» نیز در رویه قضایی آراء مشابهی به چشم می‌خورد (Viney, 1989, p.370).

رویه قضایی بلژیک نیز وضع مشابهی دارد. به‌عنوان نمونه در مواردی که قرارداد حاوی شرط حق تقدم خرید باشد، شخص ثالثی را که با آگاهی از وجود چنین شرطی و به‌منظور خسارت زدن به ذی‌نفع شرط با انتقال‌دهنده همکاری می‌نماید، مسئول دانسته است؛ حتی در فرضی که وی از وجود چنین شرطی آگاه نبوده ولی می‌بایست از وجود چنین شرطی با خبر باشد (Pottier, 2006, p.52). نمونه دیگر فرضی است که موجر به‌رغم وجود حق تقدم خرید برای مستأجر، مال مورد اجاره را به شخص ثالثی فروخته است. در این فرض در صورت آگاهی شخص ثالث از حق تقدم یادشده یا تکلیف وی به آگاهی، فسخ قهقرایی^۹ قرارداد فروش پذیرفته شده است (Merchiers, 1997, p.237).

۲-۱. مبنای مسئولیت در حقوق ایران و فقه امامیه

در حقوق ایران در خصوص مسئولیت مدنی شخص ثالثی که با متعهد قراردادی در نقض تعهد وی همکاری نموده است، اختلاف وجود دارد. برخی (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۲۰؛ صفایی، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۱۶۸-۱۶۹)، با استناد به قابلیت استناد قرارداد در مقابل اشخاص ثالث، مسئولیت شخص ثالث را در کنار مسئولیت قراردادی متعهد پذیرفته‌اند. در تأیید این نظر می‌توان گفت، هرچند اصولاً حقوق و تعهدات مستقیم ناشی از عقد فقط مربوط به طرفین قرارداد و قائم‌مقامان ایشان است ولی قرارداد به‌منابه واقعی که رخ داده، در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد است و اشخاص مزبور موظف به رعایت احترام قراردادهای معتبر و آثاری هستند که میان طرفین قرارداد ایجاد می‌نماید. طبیعی است که مزاحمت و ممانعت در مسیر اجرای قرارداد و مشارکت با متعهد قراردادی در نقض تعهداتش مغایر با چنین تکلیف و نوعی تقصیر و اقدام نامتعارف است. در نتیجه منطقی‌اً باید دارای ضمانت‌اجرا باشد.

برخی دیگر، مسئله مورد بحث را از مصادیق اجتماع سبب و مباشر به شمار می‌آورند (شهیدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۲۱). ایشان با تکیه بر اینکه سبب صرفاً هنگامی مسئول است که

اقوی از مباشر باشد، در فرض مزبور ضمن نفی اقوی بودن شخص ثالث به عنوان سبب، از عدم مسئولیت ثالث سخن گفته‌اند. در واقع به اعتقاد ایشان مسئولیت نقض تعهدات قراردادی بر عهده خود متعهد به عنوان مباشر نقض تعهد است و فقط در صورت اقوی بودن شخص ثالث می‌توان برای وی قائل به مسئولیت شد. امری که در فرض مورد بحث محقق نیست (شهیدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۲۲). بر اساس این نظر، صرف مداخله سبب در وقوع خسارت به همراه مباشر، موجب ضمان وی نمی‌باشد، مگر در صورت اقوی بودن سبب از مباشر بر اساس ماده ۳۳۲ قانون مدنی. به موجب این ماده «هرگاه یک نفر، سبب تلف شدن مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است، نه مسبب؛ مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد». ماده ۳۶۳ قانون پیشین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز مقرر می‌داشت: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است؛ مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد». گفتنی است در خصوص این‌که در چه مواردی سبب اقوی از مباشر است، برخی نویسندگان (مصطفوی و امین‌زاده، ۱۳۹۰، صص ۱۲۲-۱۲۴) سعی در ارائه ضوابطی نموده‌اند. ایشان در مقام ارائه ضوابط عرفی برای اقوی بودن سبب نسبت به عمل مباشر معتقدند، در صورتی‌که «اراده مباشر مرعوب یا مقهور اراده سبب باشد» یا در صورتی‌که «عمل سبب موجب تبدیل فعل بی‌خطر (یا کم‌خطر) مباشر به فعل خطرناک (یا خطرناک‌تر) شود» سبب از مباشر قوی‌تر خواهد بود و در نتیجه بر اساس مواد پیش‌گفته، مسئولیت، متوجه سبب است. در این راستا اجبار، اکراه، اضطراب، جهل مباشر یا مغرور بودن وی و نیز تحت فرمان سبب بودن مباشر از مصادیقی دانسته‌شده که اراده مباشر، مرعوب یا مقهور اراده سبب است (مصطفوی و امین‌زاده، ۱۳۹۰، صص ۱۲۴-۱۴۰). با این اوصاف نمی‌توان همکاری شخص ثالث با متعهد قراردادی در نقض تعهدات قراردادی‌اش را از مصادیق سبب اقوی دانست.

برای داوری در مورد این‌که آیا در فرض وجود سبب و مباشر، مسئولیت سبب فقط در فرض اقوی بودن از مباشر است یا خیر، ابتدا مسئله از نظر فقهی، بررسی می‌گردد، سپس به تفسیر ماده ۳۳۲ ق.م.پ پرداخته می‌شود.

در خصوص مسئولیت ناشی از اجتماع سبب و مباشر میان فقیهان اختلاف است. گروهی (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۶۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۹۲؛ نجفی،

۱۳۶۷، ج ۴۳، ص ۱۴۵، فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۸۹؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۲۸، اردبیلی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۵۰۱)، در فرض اقوی بودن مباشر یا تساوی تأثیر سبب و مباشر، صراحتاً ضمان را فقط متوجه مباشر دانسته‌اند. گروهی (علامه حلی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۵۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۱۵، صص ۳۷۹-۳۸۰؛ محقق حلی، ۱۴۱۰، صص ۲۹۸-۲۹۹؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، صص ۳۴-۳۸؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۴، ج ۲۶، صص ۲۲۷-۲۲۸؛ فاضل آبی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۴۹؛ حلی، ۱۴۱۳، صص ۲۹۲-۲۹۳؛ فیاض، بی تا، ج ۳، ص ۴۰۳؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۲۵، ص ۴۰۰؛ موسوی خویی، ۱۳۹۶، ج ۲، صص ۲۵۸-۲۵۹؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۶، صص ۲۱۲-۲۱۳)، نیز بدون اینکه فرض تساوی تأثیر سبب و مباشر را بررسی نمایند، در فرض اجتماع آن دو، ضمان را متوجه مباشر دانسته‌اند. نتیجه این اطلاق نیز ضمان مباشر است.

درهرحال در مقام بیان ادله نظری که جز در صورت اقوی بودن سبب، ضمان را متوجه مباشر می‌نماید، می‌توان گفت، از سویی در این مورد ادعای اجماع گردیده است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۷، ص ۵۴؛ ج ۴۳، ص ۱۴۵). از سوی دیگر دلیل مسئولیت مباشر این دانسته شده است (اردبیلی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۵۰۱) که هنگامی که دو سبب دور و نزدیک وجود دارد، فعل، عقلاً بلکه نقلاً به علت نزدیک مستند است، در نتیجه ضمان بر عهده مباشر که نزدیک‌تر است، قرار می‌گیرد مگر این که مباشر ضعیف و سبب قوی باشد که در این صورت ضمان بر عهده سبب است. به علاوه، ادعا شده (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱) قوت مباشر و ضعف سبب شرط تحقق ضمان نیست بلکه از آنجاکه میان سبب و اتلاف، فعل عاقل مختاری فاصله ایجاد نموده و اثر سبب را قطع نموده، مسبب مشمول برائت خواهد بود و در نتیجه ضمان متوجه مباشر می‌گردد.

در مقام نقد ادله یادشده می‌توان گفت، از سویی وجود اجماع محل تأمل است. به‌ویژه این که بنا بر ادعای برخی، اصطلاح سبب و مباشر تا قرن هفتم هجری در کتب فقهی دیده نمی‌شود و از زمان محقق حلی و علامه حلی مطرح شده است (مصطفوی و امین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵). جستجویی که نگارندگان نیز عملاً در این مورد در کتب فقهی انجام دادند، مؤید این ادعا بود. درهرحال بر فرض پذیرش چنین اجماعی نیز می‌توان گفت، اجماع از نوع اجماع مدرکی یا حداقل اجماع محتمل المدرک است. از نظر اصولی نیز

چنین اجماعی دارای حجیت نیست (مظفر، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۷) بلکه باید به مدارک و ادله‌ای که موجب پیدایش آن گردیده، مراجعه نمود. از سوی دیگر اینکه عقلاً و نقلاً در همه حالات جز مورد ضعیف بودن مباشر و قوی بودن سبب، فعل مستند به عامل نزدیک‌تر است و از این رو مباشر مسئول است، خود ادعایی بیش نیست. چراکه دلیل نقلی این ادعا تبیین نشده و دلالت عقل بر آن نیز محل تردید است. در واقع از دیدگاه عقل تنها در حالتی که سبب و مباشر هر دو عامد باشند، غالباً حکم به ضمان مباشر، با مخالفان جدی روبه‌رو نشده است (مصطفوی و امین‌زاده، ۱۳۹۰). به علاوه در مورد این استدلال که دخالت مباشر، اثر سبب را قطع نموده و مسبب مشمول برائت می‌گردد، نیز می‌توان گفت، همان‌گونه که در فرض اقوی بودن سبب نسبت به مباشر، مباشر توان قطع اثر از سبب را دارا نیست، در فرضی هم که از نظر عرف، سبب و مباشر هر دو قوی هستند، مباشر نمی‌تواند اثر سبب را قطع نماید؛ بنابراین ادعای مطرح‌شده در فرض قوی بودن سبب پذیرفته نیست و دلیل محکمی ندارد و با اسناد عرفی خسارت به سبب و مباشر دیگر محل اجرای اصل برائت نخواهد بود.

گفتنی است، بعضی فقیهان (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۲۶۶) به‌رغم تمایل به پذیرش مسئولیت سبب در کنار مباشر، مباشر را مسئول دانسته و دلیل آن را صرفاً عدم مخالفت با اجماع ادعایی ذکر نموده‌اند. بر اساس این نظر اگر اجماعی وجود نداشت، حکم به ضمان سبب و مباشر می‌شد و امکان مراجعه به هریک از مباشر و سبب وجود داشت زیرا ضمان بر اساس قاعده لاضرر بر عهده سبب مستقر گردیده و قوت مباشر نمی‌تواند ضمان را از عهده سبب بر طرف نماید. در واقع همان‌گونه که در مسئله غصب امکان حکم به ضمان اشخاص متعدد وجود دارد، در بحث اجتماع سبب و مباشر نیز حکم به ضمان هر یک از سبب و مباشر امر ممتنعی نیست (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۲۶۶).

در نقد این استدلال می‌توان گفت، فارغ از اختلاف‌هایی که در مورد اثبات حکم توسط قاعده لاضرر وجود دارد، نمی‌توان بدون در نظر گرفتن نقش مباشر و فرایند اجتماع سبب و مباشر، از استقرار ضمان بر عهده سبب به‌موجب قاعده لاضرر سخن گفت. در واقع این‌که به‌موجب قاعده لاضرر در هر حال ضمان بر عهده سبب استقرار می‌یابد، خود ادعایی بیش نیست. به‌علاوه برخی (مصطفوی و امین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶) نیز در مقام نقد،

این‌گونه بیان داشته‌اند که پذیرش امکان مراجعه مستقیم به سبب و مباشر، به معنای حکومت مسئولیت تضامنی بر رفتار سبب و مباشر است حال آنکه مسئولیت تضامنی خلاف اصل است. افزودنی است که مسئولیت تضامنی غاصبان، مبتنی بر ادله ویژه غصب است و نمی‌توان آن را به اجتماع سبب و مباشر تسری داد.

در این میان برخی (حسینی مراغی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۳۵) صدق عرفی تلف را معیار مسئولیت دانسته‌اند، چراکه دلیلی بر ضمان مباشر یا سبب هنگام اجتماع نیست و چه بسا تلف، عرفاً، تنها بر مباشر، یا تنها بر سبب و یا بر هر دوی آن‌ها با هم صدق کند. شاید به همین دلیل، برخی (رشتی، بی‌تا، ص ۳۷) شرکت سبب و مباشر را در ضمان ترجیح داده‌اند. در همین راستا برخی (میرحسینی و آب‌سواران، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰) نیز در فرض تساوی مباشر و سبب، هر دو را در ورود زیان دخیل دانسته و قاعده عدل و انصاف را به‌عنوان قاعده‌ای که مطابق سیره عقلا و ادراکات عقل است، مقتضی ضمان مباشر و سبب به شمار آورده‌اند.

به نظر نگارندگان با توجه به این‌که در مسئله اجتماع سبب و مباشر، اجماع ادعایی بر ضمان مباشر، مسلم و معتبر نیست، توجه به صدق عرفی انتساب زیان به مباشر یا سبب به‌عنوان ملاک مسئولیت مباشر یا سبب موجه‌تر است؛ به دیگر سخن ملاک مسئولیت مباشر انتساب عرفی ضرر به اوست و چنانچه این انتساب عرفی ناظر به مباشر و سبب توأمان باشد، دلیل قاطعی بر انحصار مسئولیت به مباشر وجود ندارد. در مسئله همکاری شخص ثالث در نقض تعهدات قراردادی نیز به نظر می‌رسد از نظر فقهی، از سویی همکاری آگاهانه شخص ثالث در نقض تعهدات قراردادی از مصادیق معاونت بر اثم و عدوان بوده و مورد نهی شارع («...وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...») (مائده: ۲)) قرار دارد و از این‌رو حرمت شرعی دارد. از سوی دیگر در مواردی که همکاری شخص ثالث، عامدانه و یا از روی تقصیر است و متعهد قراردادی با مساعدت وی مقدر به نقض تعهد خود گردیده و طرف قرارداد خسارت می‌بیند، نمی‌توان نقش ثالث را در بروز خسارت نادیده گرفت. به دیگر سخن خسارت‌ها عرفاً به وی نیز منتسب است و اگر از باب سبب و مباشر به موضوع نگریسته شود، هر یک از مباشر و سبب در پدید آمدن خسارت دارای قوت بوده و از این‌رو می‌توان خسارت را مستند به فعل شخص ثالث و متعهد دانست و حکم وضعی ضمان را ناظر به هر دو به شمار آورد.

آنچه از نظر فقهی توسط نگارندگان برگزیده شد، از نظر حقوقی نیز قابل دفاع است. توضیح این که از ماده ۳۳۲ قانون مدنی نیز که سبب را در فرض اقوی بودن، مسئول دانسته و در مقام تبیین مسئله مزبور به استناد عرفی تلف اشاره نموده است، علت حکم قانون بر ضامن سبب آشکار است و چیزی جز استناد عرفی یادشده نیست. در این راستا برخی حقوقدانان (امامی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۸۹؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۸۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۶۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۸) نیز، در فرض تساوی تأثیر سبب و مباشر، هر دو را مسئول می‌دانند؛ بنابراین در فرض همکاری شخص ثالث در نقض تعهدات قراردادی، از نظر حقوقی نیز نمی‌توان نقش ثالث را نادیده گرفت بلکه نقض تعهدات مستند به متعهد و ثالث توأمان است. به علاوه، مطابق ماده یک قانون مسئولیت مدنی «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». طبیعی است اقدام ثالث در خصوص تحریک متعهد به گریز از تعهداتش، اقدامی نامتعارف بوده و از دید عرف تقصیری است که در نقض تعهدات متعهد و ورود زیان به متعهدله مؤثر است؛ بنابراین با استناد به ماده یادشده نیز باید مسئولیت شخص ثالث را در کنار مسئولیت متعهد قراردادی نتیجه گرفت.

در تأیید تفسیر ارائه‌شده از ماده ۳۳۲ ق.م می‌توان به ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز استناد نمود. بر اساس ماده اخیر «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت، مستند به تمام عوامل باشد به‌طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند...». بر اساس این ماده در صورت اجتماع مباشر و سبب و استناد عرفی ضرر به آن‌ها، هر دو مسئول‌اند. این در حالی است که در قانون مجازات اسلامی سابق به‌موجب ماده ۳۶۳، به نحو اطلاق (جز در موردی که سبب اقوی از مباشر باشد) از ضامن مباشر سخن گفته بود و به گفته برخی (مصطفوی و امین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷) حتی در فرضی که در نظر عرف بتوان مباشر و سبب (هر دو) را ضامن دانست، دادگاه‌ها حکم به

ضمان هر دو نمی‌دادند. به همین جهت نیز قبل از تصویب قانون جدید مجازات اسلامی ضمن انتقاد از حکم مواد ۳۳۲ قانون مدنی و ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (از این جهت که فقط در فرض اقوی بودن سبب بر مسئولیت وی تصریح نموده است)، معتقد بودند راه صحیح حل مشکل، دخالت قانون‌گذار و اصلاح صریح مواد مربوط به تسبیب است (مصطفوی و امین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲). به نظر می‌رسد قانون‌گذار با تصویب ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، در این مسیر گام برداشته است.

۲. شرایط و آثار مسئولیت مدنی ثالث

۲-۱. شرایط

در حقوق فرانسه برای استفاده از نظریه همکاری ثالث دو شرط اساسی بایسته است. نخستین شرط، وجود قراردادی معتبر و مشروع است. در این راستا رویه قضایی فرانسه حتی در مواردی از لزوم اثبات مشروعیت قرارداد سخن گفته است. رأی دیوان عالی کشور فرانسه مبنی بر لزوم اثبات مشروعیت شبکه توزیع به‌وسیله تولیدکننده‌ای که شبکه را ایجاد نموده، از این قبیل است. شرط دیگر، مشارکت ثالث در نقض حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد است (Viney, 1989, p.380). در این راستا به اعتقاد برخی (Ghestin, Jamin et al., 2001, p.329; Flour, Aubert et Savaux, 2002, p.806) آگاهی از قرارداد، شرط کافی برای مسئولیت ثالثی است که در نقض قرارداد همکاری نموده است. در توجیه این نظر گفته شده (Ghestin, Jamin et Billiau, 2001, p.806) که امر مزبور لازمه تأثیر کامل قرارداد در جامعه است. رویه قضایی نیز از دیرباز آگاهی را شرط لازم و کافی برای مسئولیت شخص ثالث دانسته است. به‌عنوان نمونه تاجری با آگاهی از شرط ممنوعیت رقابت میان شخصی با شریک سابقش، با وی قراردادی می‌بندد که در راستای نقض تعهدات قراردادی شخص یادشده است. شعبه عرایض دیوان عالی به‌موجب رأی در ۸ نوامبر ۱۹۰۴ میلادی، شخص ثالث را مقصر و مسئول اعلام نموده است. شعبه تجاری دیوان نیز در رأی مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۷۱ میلادی^{۱۰} اعلام نموده که: «هر شخصی که با آگاهی، دیگری را در نقض تعهدات قراردادی‌اش، یاری دهد، نسبت به زیان‌دیده، تقصیر غیرقراردادی مرتکب شده است» (Viney, 1989, p.805; Wintgen, 2004, p.171). باوجوداین، شعبه تجاری دیوان در

آرائی جدیدتر نسبت به آراء پیشین، انتساب تقلب به شخص ثالث را نیز لازم می‌داند (Viney, 1989, p.805, Wintgen, 2004, p.171). البته در این آراء، تعابیر مختلف دیگری از جمله «تبانی متقلبانه^{۱۱}»، «تقلب مشترک^{۱۲}»، «آگاهی مخصوص و شخصی^{۱۳}» یا «سوءنیت^{۱۴}» به چشم می‌خورد که مفهوم دقیق آن‌ها محل بحث است (Wintgen, 2004, 171-172). در هر حال و به‌رغم مواردی که در رویه قضایی فرانسه صرف آگاهی شخص ثالث برای مسئولیت ثالث کافی دانسته نشده، برخی نویسندگان فرانسه (Larroumet, 2007, p.883) قاعده عام پذیرفته‌شده در رویه قضایی در مسئله همکاری ثالث را کفایت آگاهی شخص ثالث دانسته و موارد پیش‌گفته را استثنائاتی با توجیه خاص دانسته‌اند.

حقوق بلژیک از نظر شرایط تحقق مسئولیت مدنی، شباهت فراوانی به حقوق فرانسه دارد. در این راستا برخی حقوقدانان بلژیکی (Patoul et al., 1990, p.114; Remiche et al., 2010, p.705) بیان داشته‌اند که طبق رویه قضائی بلژیک برای تحقق همکاری ثالث از سویی باید قراردادی نافذ که متعهد را با دیگری مرتبط می‌نماید، وجود داشته باشد. از سوی دیگر متعهد باید حداقل یکی از تعهدات قراردادی خود را انجام نداده باشد. به‌علاوه شخص ثالث نسبت به وجود قرارداد آگاهی یا تکلیف به آگاهی داشته باشد و در نقض تعهدات قراردادی نیز مشارکت نموده باشد. البته به اعتقاد برخی از حقوقدانان بلژیکی (Dupont, 2013, p.66) علاوه بر شرایط یادشده، تضرر متعهد از همکاری ثالث با متعهد و به تعبیر برخی (Fagnart, 1997, p.16) وجود رابطه سببیت میان همکاری ثالث و خسارات وارد بر طرف قرارداد، بایسته است.

در حقوق ایران نیز برای تحقق همکاری ثالث در نقض تعهد قراردادی، وجود قرارداد معتبر و مشارکت ثالث در نقض تعهدات ناشی از آن لازم است. لیکن اینکه آگاهی یا تقصیر ثالث نیز شرط است یا خیر، بسته به مبنای مورد استناد درباره مسئولیت اوست. چنانچه مبنای مسئولیت ثالث، تقصیر باشد، خودبه‌خود، تقصیر شرط تحقق مسئولیت خواهد بود و چنانچه از قاعده تسبیب استفاده شود، از آنجاکه مسئولیت بر پایه تسبیب، منوط به احراز رابطه سببیت است، به نظر می‌رسد هنگامی که همکاری ثالث با متعهد در نقض تعهدات قراردادی آگاهانه یا از روی تقصیر باشد، عرف خسارت‌های وارد بر متعهد قرارداد را به وی نیز منسوب می‌نماید.

۲-۲. آثار مسئولیت مدنی ثالث در مقابل متعهدله

برای تعیین آثار مسئولیت مدنی ثالث از سویی باید دید، این مسئولیت چه تأثیری بر قراردادهایی دارد که ثالث در راستای همکاری با متعهد قراردادی منعقد نموده است و از سوی دیگر باید چگونگی مسئولیت وی در قبال خسارت‌های وارد بر متعهدله را بررسی نمود.

۲-۲-۱. وضع حقوقی قراردادهای معارض

در حقوق فرانسه، هنگامی که همکاری ثالث با متعهد قراردادی، از راه انعقاد قرارداد با متعهد است، برخی (Viney, 1989, pp.384-385) معتقدند، بهترین راه بازگشت اوضاع به حالت پیشین، این است که عمل حقوقی معارض در راه دستیابی به اهداف خود با شکست روبه‌رو گردد. در این راستا برخی آراء قضایی (V. Civ. 1^{re}, 7 janvier 1960; Aix, 20 février 1950; Civ. 12 juin 1954 cité par Viney, 1989, pp.384-385)، از بطلان قرارداد دوم سخن گفته‌اند. لیکن برخی حقوقدانان (Viney, 1989, pp.385) در مقام نقد آراء یادشده، باطل دانستن قرارداد دوم را راهی افراطی دانسته و عدم قابلیت استناد^{۱۵} آن در مقابل متعهدله قرارداد نخست را، از جهت تناسب جبران خسارت با ضرر واردآمده، عادلانه‌تر دانسته‌اند.

گفتنی است که در حقوق فرانسه اعلام عدم قابلیت استناد قرارداد دوم توسط دادرس، به‌عنوان اثر مسئولیت متعهد و شخص ثالث بوده و جبرانی عینی^{۱۶} به شمار می‌آید (Flour, Aubert et Savaux, 2002, p.329). مقصود از جبران عینی، جبرانی است که از راه بازگرداندن وضع به حالت قبل از ورود خسارت صورت می‌گیرد (Cornu, 1992, p.707). البته در حقوق فرانسه راه‌حل فوق در همه موارد جاری نیست. توضیح این‌که چنانچه شخص ثالث مسئول زیان، حق خود را به شخص ثالث با حسن نیت (که از واقعیت آگاهی نداشته) منتقل نموده و تشریفات انتقال حق رعایت شده باشد، راه‌حل یادشده متفی است (Viney, 1989, p.385). به اعتقاد برخی (Flour, Aubert, et Savaux, 2002, p.329) نیز عدم قابلیت استناد مزبور ناظر به فرض تقلب عمدی نسبت به حقوق متعهدله قرارداد است.

در حقوق بلژیک نیز به‌منظور جبران عینی خسارت، حذف وضعیت غیرقانونی موجود که منشأ خسارات وارده است، مطرح گردیده است لیکن در این راستا برخی (Bar et Alter, 2006, p.131) غیرقابل استناد بودن عمل حقوقی معارض را در مقابل متعهدله قراردادی و

برخی دیگر (Patoul et al., 1990, p.116) قابلیت ابطال قرارداد معارض را مناسب‌تر دانسته‌اند. در حال رویه قضایی بلژیک نظر اخیر را پذیرفته است (Bar et Alter, 2006, p.131).

در حقوق ایران، وضع حقوقی قراردادهای منافی با تعهدات قراردادی، فارغ از بحث همکاری یا عدم همکاری ثالث در نقض تعهدات قراردادی، از نظر فقهی و حقوقی مسئله‌ای اختلافی است. در این زمینه چنانچه تعهد قراردادی از نوع مثبت باشد و عمل حقوقی منعقد میان متعهد و ثالث، مغایر با تعهد مزبور باشد، از نظر فقهی می‌توان دیدگاه‌های مختلف را در قسمت شروط ضمن عقد و احکام آن اصطیاد نمود. در واقع یکی از شروط ضمن عقد، شرط فعل است که می‌تواند ناظر به تملیک عین معین به مشروطه یا تملیک منافع مشخص به وی باشد. در موردی که شخصی معامله‌ای منافی با آنچه بر وی شرط شده است انجام می‌دهد (مانند اینکه بر وی شرط شده که مالی را وقف نماید ولی وی آن را به فروش می‌رساند) سه نظر «صحت قرارداد معارض با شرط به نحو مطلق»، «صحت در صورت اذن یا اجازه مشروطه» و «بطالان»، در خصوص موضوع قابل ارائه دانسته شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۷۶). به اعتقاد گروهی از فقیهان (طباطبایی قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، صص ۴۳-۴۴؛ موسوی خویی، بی‌تا، ج ۷، صص ۳۷۷-۳۸۰؛ حسینی روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، صص ۳۱۲-۳۱۳؛ اراکی، ۱۴۱۴ق، صص ۵۱۳-۵۱۴؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۹ق، صص ۲۷۰-۲۷۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، صص ۳۴۵-۳۴۸). بر فرض حرمت تکلیفی تصرفات منافی با شرط، نمی‌توان از بطلان چنین معاملاتی سخن گفت و با توجه به اینکه حرمت تکلیفی دلالت بر بطلان معامله نمی‌نماید، باید معامله معارض را از نظر وضعی، صحیح دانست. در واقع بنا بر این نظر، حقی برای مشروطه نسبت به عین مال وجود نداشته که صحت معامله مربوط به آن را مخدوش نماید. به همین جهت برخی (موسوی خویی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۸۰)، معامله معارض را مشمول عموم ادله وفای به عقد دانسته‌اند. برخی دیگر (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۷۶؛ نائینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، صص ۲۶۲-۲۶۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، صص ۳۰۸-۳۰۹) نظر دوم (صحت در صورت اذن یا اجازه مشروطه) را برگزیده‌اند. این در حالی است که برخی (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، صص ۱۳۲-۱۳۳) نظریه بطلان را با توجه به اینکه ملک مشروط‌علیه با توجه به شرط از

طلقیت خارج شده است، ترجیح داده و امکان تنفیذ قرارداد معارض توسط مشروطه را نیز با توجه به بیگانه بودن مشروطه نسبت به قرارداد معارض نفی نموده‌اند.

همچنین اگر تعهد ناظر به عدم اجرای عملی حقوقی باشد (مانند این که شخصی تعهد به عدم فروش ملک خویش نموده باشد) و شخص ثالث با متعهد، قراردادی مغایر با تعهد مزبور منعقد نماید نیز وضع حقوقی قرارداد معارض قابل بحث است و از نظر فقهی، مشابه این بحث در شرط ترک فعل حقوقی مورد بحث قرار گرفته است. در این راستا برخی فقیهان (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، صص ۵۶-۵۷؛ محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶؛ موسوی خویی، بی تا، ج ۶، ص ۱۲۸؛ طباطبایی قمی، ۱۴۰۰ق، ج ۴، صص ۷۰-۷۲؛ حسینی روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، صص ۲۶۸-۲۶۹؛ همدانی، ۱۴۲۰ق، صص ۴۷۴-۴۷۵؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق، صص ۷۵-۷۷) از صحت عمل حقوقی یادشده سخن گفته‌اند. طبیعی است اختلاف‌های یادشده، در حقوق ایران نیز که مبتنی بر فقه امامی است، تأثیر گذاشته و در خصوص امکان ابطال قراردادهای معارض پیش گفته، اختلاف وجود دارد (رک. میرزائزاد جویباری، ۱۳۸۸، ص ۴۷ به بعد). در حال بررسی این موضوع، مستقل از بحث همکاری ثالث، مستلزم پژوهشی علی حده بوده و در حوصله این پژوهش نمی‌گنجد. لیکن آنچه از منظر جستار حاضر قابل بررسی است، این است که آیا قراردادهایی که ثالث در راستای همکاری جهت نقض تعهدات قراردادی، با متعهد منعقد نموده است، در حقوق موضوعه ایران از باب مسئولیت مدنی قابل تعرض است؟ و آیا می‌توان آنچه در حقوق فرانسه یا بلژیک مطرح است را مورد پذیرش قرار داد؟ در مقام پاسخ به این سؤال به نظر می‌رسد، می‌توان به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی تمسک نمود. به موجب این ماده «دادگاه، میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...». آن گونه که از این ماده استنباط می‌گردد، دادگاه در خصوص شیوه و کیفیت جبران خسارت دارای اختیارات وسیعی است؛ بنابراین چنانچه دادگاه تشخیص دهد که با توجه به اوضاع و احوال، ابطال یا عدم قابلیت استناد قراردادهای معارض، بهترین شیوه جبران است، می‌تواند راه حل مناسب را اتخاذ نماید؛ بنابراین راه حل‌های پذیرفته شده در حقوق فرانسه و بلژیک از این راه می‌تواند در حقوق ایران نیز پذیرفته شود. از نظر فقهی نیز می‌توان از قاعده فقهی لاضرر استفاده نمود. در واقع بنا بر نظر مشهور فقهی (رک. انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۶؛

موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۲۱۸-۲۱۹)، قاعده مزبور دلالت بر نفی احکام ضرری دارد، حال اگر در مسئله مورد بحث، نفوذ یا قابلیت استناد قرارداد معارض، حکمی ضرری محسوب گردد می‌توان آن را نفی نمود و عدم نفوذ یا عدم قابلیت استناد قرارداد در مقابل متعهدله را استنباط نمود.

۲-۲-۲. لزوم جبران خسارت

به‌رغم این‌که در حقوق فرانسه از عدم قابلیت استناد قرارداد معارض بر مبنای آثار مسئولیت مدنی سخن گفته شده است و در حقوق بلژیک نیز نظریه عدم قابلیت استناد قرارداد و ابطال قرارداد مزبور مطرح شده است، در اغلب موارد، اثر مسئولیت مدنی شخص ثالث، در محکومیت وی به پرداخت خسارت ظاهر می‌گردد. به‌علاوه عدم قابلیت استناد قرارداد یا ابطال قرارداد معارض، همیشه موجب جبران همه خسارت‌ها نیست و طبیعی است که اصل جبران کامل خسارت^{۱۷} اقتضا می‌نماید که در این نظام‌های حقوقی نیز امکان مطالبه خسارت‌های باقیمانده، حتی در فرض عدم قابلیت استناد یا ابطال قرارداد کماکان وجود داشته باشد. در خصوص چگونگی ارزیابی خسارت‌های واردشده نیز باید گفت، در چنین مواردی ارزیابی میزان خسارت، علی‌الاصول با قاضی است.

در حقوق بلژیک، نیز در صورت همکاری ثالث در نقض تعهدات قراردادی و ورود زیان به متعهدله، شخص اخیر نه‌تنها می‌تواند برای جبران تمام خساراتی که به او وارد آمده به متعهد مستقیم خویش رجوع نماید بلکه اختیار مراجعه به شخص ثالث را نیز برای کل خسارات دارد (Dupont, 2013, p.67).

در حقوق ایران نیز چنانچه شخص ثالثی که در نقض تعهدات قراردادی با متعهد همکاری نموده است، از باب تسبیب یا تقصیر مسئول شناخته شود، ملزم به جبران خسارت است. البته میزان مسئولیت وی، بسته به میزان تأثیری است که در ورود خسارت داشته است. در واقع در حقوق ایران، مسئولیت تضامنی، امری استثنائی است و باید هر شخص را به میزان خسارتی که وارد نموده، مسئول دانست.

جمع بندی

با بررسی‌های انجام شده در این جستار، از سویی در حقوق فرانسه و بلژیک مسئولیت مدنی شخص ثالثی که در نقض قرارداد با متعهد قراردادی همکاری نموده، مورد پذیرش است و مبنای اصلی آن قابلیت استناد قرارداد در مقابل اشخاص ثالث است. همکاری شخص ثالث در نقض تعهدات قراردادی نوعی تقصیر غیرقراردادی نسبت به متعهدله زیان دیده است. مسئولیت مدنی ثالث در این نظام‌ها دارای دو شرط اساسی وجود قرارداد معتبر و مشارکت شخص ثالث در نقض حقوق و تعهدات ناشی از آن قرارداد است. در حقوق فرانسه، قاعده عمومی، کافی بودن آگاهی ثالث از قرارداد برای تحقق مشارکت وی است؛ هرچند در موارد استثنایی تقلب وی نیز لازم است. در حقوق بلژیک، مواردی که شخص ثالث از وجود قرارداد آگاه نبوده ولی تکلیف به آگاهی از آن داشته و مشارکت در نقض قرارداد نموده، نیز داخل در بحث حاضر است. طبیعی است وجود رابطه سببیت میان همکاری ثالث و خسارات متعهدله لازم است. در حقوق ایران نیز مشارکت ثالث در نقض تعهدات قراردادی، اقدامی نامتعارف بوده و شخص ثالث بر اساس مبنای تقصیر یا تسبیب مسئول است. طبیعی است در حقوق ایران نیز وجود قراردادی معتبر و نیز صدق عنوان مشارکت ثالث در نقض تعهدات ناشی از آن لازم است. چنانچه همکاری ثالث در نقض تعهد قراردادی، از راه انعقاد قرارداد میان شخص ثالث و یکی از طرفین قرارداد نخست، صورت گیرد در حقوق فرانسه بهترین راه بازگرداندن اوضاع به حالت اول، نادیده گرفتن عمل حقوقی معارض دانسته شده است و در این راستا دو نظریه قابلیت ابطال قرارداد دوم و عدم قابلیت استناد آن مطرح شده، که نظریه اخیر طرفداران بیشتری دارد. البته در این نظام حقوقی بر اساس نظریه حسن نیت، راه حل پیش گفته محدودیت‌هایی دارد. در حقوق بلژیک نیز هر دو نظریه غیرقابل استناد بودن عمل حقوقی معارض و قابلیت ابطال آن مطرح شده است، لیکن رویه قضایی بلژیک نظریه اخیر را مورد پذیرش قرار داده است. در حقوق ایران، دادگاه می‌تواند به استناد ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی و در راستای تعیین شیوه جبران خسارت، حکم به عدم نفوذ یا عدم قابلیت استناد قرارداد معارض دهد. از نظر فقهی نیز قاعده نفی ضرر می‌تواند نتیجه مشابهی داشته باشد. در حقوق فرانسه و بلژیک اثر دیگر همکاری ثالث در نقض تعهدات قراردادی، مسئولیت تضامنی ثالث و متعهد در قبال خسارت‌های وارد بر

متعهدانه است. در حقوق ایران، به رغم اختلاف نظر در خصوص مسئولیت مدنی شخص ثالث، به نظر می‌رسد در صورتی که عرف، خسارت‌های وارد بر متعهدانه را به دلیل نقض تعهد توسط متعهد، منسوب به متعهد و شخص ثالث بدانند، باید هر دو را مسئول دانست و نوع مسئولیت شخص ثالث غیر قراردادی است. البته با توجه به استثنائی بودن مسئولیت تضامنی در حقوق ایران، در موضوع مورد بحث باید از تقسیم مسئولیت سخن گفت.

در پایان، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ضمن اختصاص مواد صریحی به مسئله همکاری ثالث در نقض تعهدات قراردادی، در خصوص عدم نفوذ معاملات معارضی که در این راستا انجام می‌گیرد و مسئولیت مدنی شخص ثالث، به صراحت احکامی پیش‌بینی نماید تا به اختلاف‌های موجود در دکترین حقوقی ایران پایان داده شود.

یادداشت‌ها

1. Une faute délictuelle.
 2. article 1382: tout fait quelconque de l'homme, qui cause à autrui un dommage, oblige par la faute duquel il est arrivé à le réparer.
 3. article 1383: chacun est responsable du dommage qu'il a causé, non seulement par son fait mais encore par sa négligence ou par son imprudence.
 4. Une clause d'exclusivité ou de non-concurrence
 5. Un contrat d'intégration
 6. Le contrat d'édition
 7. Le contrat de bail
 8. Le contrat de réservation de logements
 9. Résolution
 10. Cass. Com. 11 oct. 1971; voire aussi Cass. Com. 13 mars 1979 cité par Viney, 1989, p.805; Wintgen, 2004, p.171.
 11. collusion frauduleuse.
 12. concert frauduleux.
 13. connaissance special et personnelle.
 14. mauvaise foi.
 15. inopposabilité.
- عدم قابلیت استناد قرارداد در مقابل ثالث، از ضمانت‌اجراهایی است که در حقوق فرانسه برای حمایت از اشخاص ثالث به کار رفته و به معنای امکان انکار قرارداد توسط اشخاص ثالث ذی‌نفع و فقدان اثر در مقابل ایشان است و توسط دیگران قابل استفاده نیست.
16. réparation en nature.
 17. Principe de réparation intégrale.

به موجب این اصل، جبران خسارت باید همه خسارت‌ها را در برگیرد (تا از دارایی زیان‌دیده کاسته نشود) لیکن فقط باید خسارت جبران شود (تا به دارایی زیان‌دیده نیز افزوده نگردد) (Cornu, 1992, p.707). در مورد این اصل در حقوق ایران رک. صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۳۱۸ به بعد.

کتابنامه

- اراکي، محمدعلی (۱۴۱۴ق)، *الخيارات*، قم: مؤسسه در راه حق، ج ۱.
- اردبیلی، احمد (۱۴۱۲ق)، *مجمع الفائدة*، ج ۱۰، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱.
- اصفهانی، محمد (۱۴۰۵ق)، *كشف اللثام (ط.ق)*، ج ۲، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
- امامی، سیدحسن (۱۳۷۷)، *حقوق مدنی*، ج ۱، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، چاپ نوزدهم.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۴ق)، *رسائل فقهية*، قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاري، ج ۱.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، *کتاب المكاسب*، ج ۵ و ج ۷، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ج ۱.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲)، *مجموعه محشی قانون مدنی*، تهران: گنج دانش، ج ۲.
- حسینی‌روحانی، سید محمدصادق (۱۴۱۴ق)، *قته الصادق (ع)*، ج ۲ و ج ۲۶، قم: مؤسسه دارالکتاب، ج ۳.
- همو (۱۴۲۹ق)، *منهاج الفقاهة*، ج ۵، قم: انوار الهدی، ج ۵.
- حسینی‌مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۸ق)، *العناوين الفقهية*، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱.
- حلی، حسن (۱۴۱۹ق)، *قواعد الأحكام*، ج ۳، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱.
- همو (۱۴۲۱ق)، *تحریر الأحكام*، ج ۴، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۱.
- حلی، ابن‌فهد (۱۴۱۳ق)، *المهذب البارع*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حلی، جعفر (۱۴۱۰ق)، *المختصر النافع*، تهران: قسم الدراسات الإسلامية فی مؤسسه البعثة، ج ۳.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، *جامع المدارک*، ج ۶، قم: مؤسسه إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزيع، ج ۲.
- رشتی، حبیب‌الله (بی‌تا)، *الغصب*، چاپ سنگی.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق)، *المختار فی أحكام الخیار*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۱.
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۶ق)، *مسالك الأفهام*، ج ۱۵، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ج ۱.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۱)، *حقوق مدنی*، ج ۳، آثار قراردادهای و تعهدات، تهران: انتشارات مجد، ج ۲.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۵)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، ج ۲، قواعد عمومی قراردادهای، تهران: نشر میزان، ج ۴.

- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، انتشارات سمت، ج ۱.
- طباطبایی قمی، سیدتقی (۱۴۰۰ق)، *دراساتنا من الفقه الجعفری*، قم: مطبعة الخيام، ج ۱.
- همو (۱۴۱۳ق)، *عمدة المطالب فی التعليق علی المكاسب*، ج ۴، قم: کتابفروشی محلاتی، ج ۱.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ق)، *حاشیة المكاسب*، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۲.
- طباطبائی، سید علی (۱۴۲۲ق)، *ریاض المسائل*، ج ۱۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، *موجبات ضمان، درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی*، تهران: نشر میزان، ج ۱.
- فیاض، محمداسحاق (بی تا)، *منهاج الصالحین*، ج ۳، قم: مکتب سماحة الشیخ محمد اسحاق الفیاض، ج ۱.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷)، *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: نشر میزان، ج ۵.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، ج ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ج ۲.
- همو (۱۳۸۶)، *الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ج ۸.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸)، *نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۱.
- مدنی کاشانی، رضا (۱۴۰۹ق)، *تعلیقه شریقه علی بحث الخیارات و الشروط*، قم: مکتبه آیه الله المدنی الکاشانی، ج ۱.
- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ق)، *الینایع الفقهیة*، ج ۲۵، بیروت: الدار الإسلامیة، ج ۱.
- مصطفوی، سید مصطفی و امین‌زاده، سید محمد (۱۳۹۰)، *تعدد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران و فقه امامیه*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ج ۱.
- مظفر، محمدرضا (بی تا)، *أصول الفقه*، ج ۳، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق)، *القواعد الفقهیة*، ج ۱-۳، قم: نشر الهادی، ج ۱.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۰)، *تحریر الوسیلة*، ج ۲، قم: دار الکتب العلمیة، ج ۲.
- همو (۱۴۲۱ق)، *کتاب البیع*، ج ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس)، ج ۱.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۲، قم: العلمیة، ج ۲.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی تا)، *مصباح الفقاهة*، ج ۶، و ج ۷، بی جا: بی نا.

میرحسینی، سید احمد و آبسواران، حسن (۱۳۹۳)، *باز پژوهی قاعده تسبیب و تقد قوانین آن، آموزه‌های فقه مدنی*، شماره ۱۰، صص ۱۲۵-۱۴۶.

میرزائزاد جویباری، اکبر (۱۳۸۸)، «امکان ابطال قرارداد معارض در حقوق ایران انگلیس»، در *حقوق مدنی تطبیقی*، تهران: انتشارات سمت و مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ج ۲، صص ۴۱-۶۳.

نائینی، محمدحسین (۱۴۲۱ق)، *منیة الطالب* (تقریرات توسط شیخ موسی خوانساری)، ج ۳، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱.

نجفی، محمدحسین (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام*، ج ۳۷ و ج ۴۳، تهران: دار الکتب الإسلامية، ج ۳.

همدانی، رضا (۱۴۲۰ق)، *حاشیة کتاب المکاسب*، قم: بی نا، ج ۱.

یوسفی، حسن (۱۴۱۰ق)، *کشف الرموز*، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱.

Bar, Stéphanie, Alter, Cedric (2006), *Les effets du contrat*, , Kluwer: Waterloo

Buffelan-lanore, Yvaine et Larribau-terneyre, Virginie (2010), *Droit Civil: les obligations*, 12 ed., Paris: Sirey.

Colin, Capitant et Julliot De la Morandière (1996), *Précis de Droit Civil*, T.2, 3éd., Paris: Dalloz.

Cornu, Gérard (1992), *Vocabulaire Juridique*, 3^eéd., Paris: Presses univecitaires de France.

Dubuisson, Bernard, Callwaert, Vincent, De coninck, Bertrand et Gathem, Grégoire (2009), *La responsabilité, Civile, Cheronique de Jurisprudence 1997-2007*, le fait générateur et le lien causal, v1, Bruxelles, Larcier.

Duclos, José (1984), *L'opposabilité* (essai d'une théorie générale), Paris: LGDJ.

Dupont, Marie (2013), *Le b.a-ba du contrat*, Liège, Edipro.

Fagnart, Jean-luc (1997), *La responsabilité civile cheronique de jurisprudence 1985-1995*, Bruxelles, Larcier.

Flour, J, aubert, L et savaux Éric (2002), *Les Obligations, L'acte Juridique*, 2^o éd., Paris: Armand Colin et Delta.

Ghestin, Jacques, Jamin, Christophe et Billiau, Marc (2001), *Traité de Droit Civil, Les effets du contrat*, 3^o éd., Paris: LGDJ.

Larroumet, Christian (2007), *Droit Civil*, T. III, les obligations, le contrat, 2^e partie, effets, 6e éd., Paris: Economica.

Malaurie, Ph., Aynès, L. et Stoffel-Munck, Ph. (2009), *Droit Civil*, les obligations, 4^o éd., Paris: Defrénois, Lextenso editions.

Mazeauds, H. L. et J. et Chabas, François (1985), *Leçons de Droit civil*, T. 2, V. 1, 7^o éd, Paris: Éditions Montchrestien.

Merchiers, Yvette (1997), *Bail en général, les baux*, Bruxelles: Larcier.

- Patoul, E. de, Laffineur, J, Gathem, G, Clavie, M, Van de kerchove, L, Pletinckx, Z et Thirion, N (1990), *Les pratiques du commerce l'information et la protection du consommateur*, sous la direction de M. Coipel et de P. Wéri, v.2, , Kluwer: Waterloo.
- Pottier, Eric (2006), *Les cessions d'actions ou de parts au sien des société anonymes, des société privées à responsabilité limitée et des société coopératives*, in Le statut des actionnaires (S.A., S.P.R.L., S.C.) questions spéciales, sous la coordination d'Olivier caprasse, v.89, Bruxelles: Larcier.
- Raynaud, Pierre, Aubert Jean-Luc et Savaux, Éric (1999), *Repertoire de Droit Civil*, T. IV, contrats et conventions, Paris: Dalloz.
- Remiche, Bernard, Cassiers, Vincent (2010), *Droit des Brevets D'invention et du Savoir-faire*, Bruxelles: Larcier.
- Terré, F; Simler Ph et Lequette, Yves (1996), *Droit Civil, Les obligations*, 6 éd., Paris: Dalloz.
- Tordoi, Marc-Philippe (2006), *Le droit de préemption en matière immobilière*, Waterloo, Kluwer.
- Viney, Geneviève (1989), *Traité de Droit Civil, Introduction à la Responsabilité*, 2^eéd., Paris: LGDJ.
- Weill, Alex et Terré, François (1980), *Droit Civil, les Obligations*, 3^e éd., Paris: Dalloz.
- Wintgen, Robert (2004), *Étude Critique de la Notion D'opposabilité, les effets du contrat à l'égard des tiers en droit français et allemand*, Paris: L.G.D.